



گفت‌وگوی «فرهیختگان» با یاسر قزوینی حائری، عضو هیات علمی دانشگاه تهران پیرامون تحولات غرب آسیا و مساله گروهک‌های ترور بیستی

# در پی ساداعشی کدام جریان بهتر عمل کرد؟

است، چه اتفاقی خواهد افتاد. به نظر می‌رسد نگاه کلی آمریکا جدا از باین یا ترامپ در منطقه کم‌رنگ‌تر کردن حضور فیزیکی و پرنک‌تر کردن حضور سایبری و جنگ الکترونیک است. آنها به دنبال نقطه‌زنی خواهند رفت. می‌گویند باین طرفدار تقسیم عراق است ولی فکر نمی‌کنم به این سمت بروند و به سمت این خواهند رفت که یک عراق قدرتمند مستقل از نظر خودشان شکل بگیرد. در عراق، روسای جمهور و مجلس و نخست‌وزیر بر مبنای ادامه دولت ترامپ برنامه‌ریزی کرده‌بودند ولی این اتفاق نیفتاد و الان دچار بحران ناشی از مشکلات اقتصادی هستند. این بحران مطمئناً سرریز می‌کند در عراق و منطقه. من نمی‌توانم بگویم ولی بسیاری از مسائل در عراق شکل گرفت و سرریز شد. به نظر من ریشه انقلاب‌های عربی، اتفاقات سال ۲۰۰۳ در عراق است. جنگ مذهبی که در عراق شکل گرفت، منطقه را عوض کرد. الان تظاهرات در عراق وجود دارد. این انتقال نسل خیلی مهم است. نسلی که مطالباتش معیشت و کار است و در بند هیچ ایدئولوژی خاصی نیست. امکان دارد این جذب هر ایدئولوژی جذابی هم بشود.

**یعنی عراق ناآرام می‌تواند منطقه ناآرام هم داشته باشد؟**

سخت است گفتنش. این هم باید در نظر گرفت که شاید در ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ گروه‌های سلفی و جهادی دست کم گرفته می‌شدند ولی اکنون چون تجربه داعش را داریم، جهان شاخکش نیست است که این اتفاق دوباره نیفتد. ولی اگر بخواهد دوباره در عراق بحث‌های مذهبی شدید شود، مطمئناً ادامه‌دهنده سوریه و منطقه سرریزی می‌شود. منطقه لرزان و آتش‌زیر خاکستر است. اینکه یکی مثل محمد بوعزیزی روی خودش بنزین بریزد و منطقه را به آتش بکشد، مشخص نیست.

ولی در این فضا، جناح مقابل خوب عمل کرد. جناحی که به سمت رابطه با رژیم صهیونیستی رفت و حتی تمهیدات نرم آن را چید و در سریال‌های ماه رمضان هم مسائل یهودی را برجسته کرد. با توجه به اینکه واکنش‌های ما هم نسبت به این اتفاقات ضعیف بود، مشخص می‌شود هنوز مخالفان این جناح حداقل فعلاً قدرت و حتی قدرت رسانه‌ای ندارند.

**یعنی معتقدید علاوه بر جریان‌های فکری و گروه‌های مختلف، دولت‌های مقاومت هم تماشاچی بودند.**

اگر عراق را به عنوان کشور مقاومت در نظر بگیریم، همین که در این کشور بحث می‌شود که به سمت رژیم صهیونیستی برویم یا نرویم یعنی یک گام به جلو. امارات گامی برداشت که بقیه مجبورند دنبال کنند. همین که در عراق این بحث رابطه با تل آویو مطرح می‌شود، یک تابوشکنی بزرگ است.

**با این شرایط آینده چگونه خواهد بود؟ اسلام‌گراها ضعیف خواهند ماند یا دوباره احتمال دارد قدرت بگیرند؟**

به نظر من الان قوم‌گرایی، سکولاریسم و دموکراسی نرغما شده است. اینها راه‌حل‌های تجربه شده است که دیگر جذابی نیست. در عراق اعتراض‌کنندگان از دموکراسی صحبت نمی‌کنند و می‌گویند «شاب‌نرید الوطن». بحث‌ها به سمت هیویت رفته است. یعنی بحث این شده که من کی هستم؟ برای همین بحث‌ها ریشه‌ای‌تر شده و آنها بی که جواب‌های ریشه‌ای‌تر می‌دهند، موفق ترند. داعش کل زمین را به هم می‌ریزد که دولت-ملت‌ها کفر و ارتدادند، شما یا امت مسلمانید که باید به‌دال‌الخلافة هجرت کنید یا کافر در آل‌کفر. شاید در انتقاد به تمام راه‌حل‌هایی بوده که نگاه‌های آخ‌الزمانی تقویت شده و همه می‌گویند منجی کجایی؟ چون همه راه‌حل‌ها تجربه شده است. در سوریه خیلی هادنیال منجی هستند، حتی روس‌ها، حتی نومحافظه‌کاران آمریکا، بنظر من آینده‌چالش‌های عمیق‌تر خواهد بود. اگر براساس روند‌ها بگویم، نزدیک شدن به رژیم صهیونیستی ادامه پیدا می‌کند، شمار روندی جز این نمی‌بینید. بقیه دارند به این روند واکنش نشان می‌دهند. معلوم نیست این روند شکست بخورد یا با روند دیگری تعارض پیدا کند. همیشه یک واکنش‌گرا می‌آید و روندها را به هم ریخته. آیا اتفاقی خواهد افتاد؟ فعلاً که چیزی نشان داده نشده است. البته نباید یک دوگانه ساخته شده را از نظر دور داشت. دوگانه چین و آمریکا این وسط مهم است. اینکه یک دوقطبی در حال شکل‌گیری است، اهمیت دارد. آیا این ادامه پیدا کند یا خیر معلوم نیست ولی خیلی‌ها دارند به این سمت می‌روند. البته نه مانند دهه‌های گذشته که کشورهای جهان سوم هر کدام یک سمت می‌رفتند. الان کشورهای درجه ۲ هوشیار شدند و تلاش می‌کنند هر دو طرف را داشته باشند. خود قدرت‌ها هم این‌رامی‌دانند و به نظر می‌رسد جهان به سمت یک دوقطبی دیگر خواهد رفت اما درس‌های آن دوقطبی را مدنظر قرار خواهد داد.



**با توجه به تحولات نسلی، در آینده احتمال دارد مرزها غلیظ‌تر شوند یا اینکه کم‌رنگ‌تر شوند؟ ما واقعا نمی‌دانیم یا چه مواجیم.**

به قول آینده‌پژوه‌ها ما با روندها و وایلد کاردها مواجیم. الان وایلد کاردها بیشتر است. مثلاً چه کسی احتمال شیوع کرونا را می‌داد؟ بر همین اساس من می‌گویم تروریسم آتش زیر خاکستر است و مسائل به سمت فزنی شدن خواهد رفت. به عراق اشاره کردید. در عراق هم این تحول نسلی مهم است، یعنی متولدان سال ۲۰۰۰ به بعد. اینها حتی در صحنه عراق مطرح شدند. این تحول نسلی، بیشتر برآمده از آشننگی سیاسی، معیشتی و فکری به وجود آمده است. بالاخره اینکه چه جریانی بتواند اینها را به لحاظ فکری به سمت ساحل امنیت ببرد، مهم است. گروهی مثل داعش در این زمینه کار کرده است و اگر اتفاقی بیفتد، امکان دارد دوباره جذب حداکثری داشته باشد.

**ما در چند ماه گذشته شاهد پروژه عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی بودیم. با توجه به انزجار افکار عمومی جهان اسلام و اینکه تقریباً تمام گروه‌های سیاسی، فکری و حتی تروریستی با این رخداد مخالفند، این رخداد باعث خواهد شد تمایل به گروه‌های تروریستی تقویت شود؟**

صد درصد. گروه‌های جهادی سنی که این مساله را نمی‌پذیرند ولی دوماً موضوع در این بین مطرح است. یکی اینکه اساساً این گروه‌ها چه قدرتی برای پاسخ دارند؟ آنها امتحان‌شان را در شاری ابدو و معامله قرن پس دادند و نشان دادند که شاید قدرت لجستیکی برای عملیات سنگین داشته باشند ولی آن را ذخیره کرده‌اند. گروهی مثل داعش اگر توانش ۱۰۰ بوده، الان این توان ۱۰ است و باید برای عملیات بزرگ ۹۰ درصد توانش را بگذارد ولی این کار را نمی‌کند. شاید بتواند کار بزرگی کند ولی الان دوره این کارها نیست. موضوع دیگر این است که برای گروه‌های جهادی سلفی مساله فلسطین در حاشیه مساله خلافت قرار می‌گیرد. آنها می‌گویند اگر قرار بود مساله فلسطین حل شود، در این ۱۰۰۰ ساله توسط ملی‌گراها یا گروه‌هایی مثل اخوان و حماس و... که مساله فلسطین را به عنوان مهم‌ترین مساله جهان اسلام تلقی می‌کنند، حل می‌شد. اینها می‌گویند اگر مساله خلافت حل شود، مساله فلسطین خود به خود حل می‌شود. هرچند خود القاعده در آخر فیلم‌هایش «قادمون یا اقصی» را می‌آورد ولی این مساله در حاشیه نگاه‌شان به خلافت قرار می‌گیرد. گفتنی است که در ایران یا اخوان داریم که فلسطین مساله اول جهان اسلام است، در میان آنها نیست. آنها می‌گویند اگر فلسطین مساله است، سین کیانگ، فیلیپین و اندلس هم هست. همه اینها با هم است. این گفتنی است که القاعده و داعش دارد.

**به نظر شما با توجه به تغییرات در آمریکا، دولت باین چه سیاستی را در مواجهه با گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی و فکری در پیش خواهد گرفت؟**

من متخصص آمریکا نیستم ولی احتمالاً چیزی شبیه آنچه اواما در پیش گرفته بود را ادامه بدهد. دوره اواما اوج قدرت داعش بود. باید ببینیم بعد از کرونا که نمی‌دانیم این «بعد از کرونا» چه زمانی

و با بادی رفتند و این شکست آنها را دچار بحران‌های اساسی فکری کرد. حتی بحران سکونت پیدا کردند. آنها را از مصر اخراج کردند. راهی جز ترکیه یا قطر نداشتند. ترکیه هم می‌خواهد آنها را اخراج کند. دیگر کجا بروند؟

در این بین جناح دیگر دارد خوب عمل می‌کند. منظوم جناح امارات، عربستان و اسلام سنتی نزدیک به صوفیانه دشمن اسلام سیاسی است. مایه‌بینیم این جناح آن خط و ربط‌ها را دست گرفته و حسابی بر اساس آن فشار می‌آورد.

**در تهران برخی اعتقاد دارند که اگر نتوانیم باهل سنت ارتباط بگیریم، با صوفی‌های می‌توانیم کنار باییم، ولی....**

مساله صفر و صدی و دوگانه نیست. این دوگانه شاید در کلیت درست باشد، ولی وقتی وارد صحنه می‌شوید، اوضاع فرق می‌کند. به عنوان نمونه در سوریه اسلام سیاسی ایران در کنار حزب بعث قرار گرفت. این شخصی می‌کند که دوگانه‌ها به‌ویژه امروز به سمت عملگرایی رفتند و دیگر انتزاعی نیستند.

**به نوعی مادرگیری چندپارگی هستیم.**

بله. خود این صحنه نشان می‌دهند انتزاعی فکر کردن را باید کنار گذاشت. خیلی مسائلی مختلف و عوامل متعدد لجستیکی جبروتیک و مادی در کنار هم قرار می‌گیرد تا حادثه‌ای رخ دهد.

**شمارد گفت‌وگویی اشاره کردید در سال‌های اخیر جریان‌های ملی‌گرای قومیتی یا سکولار شکست خوردند. الان نمی‌توانیم بگویم جریان‌های اسلام‌گرا به همین شکل دچار شکست شدند و جهان عرب به یک سمت دیگر خواهد رفت؟ مثلاً در دوسال گذشته در عراق دیدیم که اعتراض‌ها خیلی حول وحوش مذهب شکل گرفت.**

به نظر من چه سکولارها چه قوم‌گراها کنار رفتند. از این سمت هم در جریان اسلام‌گرا، این تحول نسلی خیلی مهم است. اهمیت این تحول نسلی به دلیل تحول در شیوه ارتباط‌گیری، رسانه و شیوه انتقال پیام است. این شیوه عوض شده است. انقلاب ایران را انقلاب کاست می‌نامیدند؛ انقلاب‌های عربی را انقلاب فیس‌بوک می‌گویند و الان فیس‌بوک هم دارد به خود می‌رود و بحث توییتر یا چیزهای دیگر است. فکر می‌کنم اشتراکاتی بین نسل جدید وجود دارد. یعنی یک داعشی نسل جدید امکان دارد با یک اخوانی نسل جدید و یک شیعه نسل جدید یک سری اشتراکات در هویت شبکه‌ای داشته باشد که اتفاقاً اینها را به هم نزدیک‌تر کند. این هویت نسلی مهم شده است. در واقع بخش عمده شکست جریان‌هایی مثل اخوان، شکست نسلی است. شاید مثلاً ۴۰ سال پیش این اتفاق نمی‌توانست بیفتد و قشر جوان نمی‌توانست از دایره مستحکم «حرص القديم» یا ننگه‌پانان اصلی یک تفکر تجاوز کند اما الان به راحتی تجاوز می‌کنند و خودشان زمام امر را هم به دست می‌گیرند. این مساله در انقلاب‌های عربی خودش را نشان داد و بر مبنای یک تحول نسلی در انسان و در رسانه، جریان‌هایی آمدند و بر موج سوار شدند ولی به دلیل عدم درک شرایط، شکست خوردند.

است، اما در داعش شما تحول گفتنی شدیدی می‌بینید. آنها از دوره تمکین به دوره پس‌اتمکین و تأکید روی اینکه الان دوره محنت و امتحان است رفته‌اند و با نگاه‌های آخ‌الزمانی گفتن‌شان را سامان دادند. ولی در هر حال داعش آتش زیر خاکستر است و هیچ چیزی مثل یک عملیات پر قدرت نمی‌تواند نیروهای سمپات را داکتر کند. به نظر می‌رسد بیشتر تکیه داعش روی ایجاد سمپات است که بیرون از دایره‌های سازمانی حضور دارند. آنها چند دستمایه خوب برای این بحث داشتند. یکی اظهارات مکرون و دیگری بازنگاه به شاری ابدو بود. با اینکه داعش و القاعده تلاش کردند دوباره عملیاتی انجام دهند، ولی دیگر نتوانستند کارهایی را که قبلاً می‌توانستند، انجام بدهند. مثلاً عملیات پاریس یا بروکسل داعش، سازماندهی شده از سرزمین‌های خلافت بود. این عملیات کار گرگ‌های تنها نبود. این دشمنان می‌دهد ظرفیت این گروه‌ها چقدر کاهش پیدا کرده است.

**بعد از تحولات عربی، شاهد عملگرایی جریان‌های فکری در جهان عربی و اهل سنت بودیم. این عملگرایی جریان‌های اصلی مثل اخوان را ناچار کرد تا حدودی به سمت داعش و جریان‌های تروریستی گرایش پیدا کنند. این وضعیت امکان ادامه دارد یا جریان‌های فکری راه‌شان را جدا می‌کنند؟**

ان برای اخوان واقعا دوره خوبی نیست. همه گروه‌ها یا بهتر بگویم «اسلام سیاسی سنی» در مرحله شکست قرار دارد. برای اخوان در مصر آن اتفاق افتاد و حکومت‌شان سرنگون شد؛ در لیبی در کش و قوس هستند و در تونس می‌گویند خیلی زیادی واداده‌اند. اخوان در بحث بهار عربی به یکباره پوست انداخت و تمام شعارهایش را کنار گذاشت. آنها دولت تشکیل دادند، ولی یکباره همه چیز به هم ریخت و الان در دوره گیجی بعد از مشت هستند. به نظر من یک چیز مهم که نباید فراموش کرد، «تحول نسلی» است. نسل‌های جدید جور دیگری فکر می‌کنند. برخی از این نسل به داعش پیوست و باعث شد اخوان به دنبال پاسخ این سوال باشد که به لحاظ لجستیک و فکری باید چه کار کنیم؟ هنوز به راه‌حلی نرسیده‌اند و پرسش‌هایشان بدون پاسخ مانده است. علاوه بر این، به زعم خودشان دچار تناقضات زیادی شده‌اند. آنها علت این ماجرا را حضور حضور ایران در سوریه می‌دانند، این کل صحنه فکری آنها را به هم ریخت. برای اخوان سوال پیش آمد که آیا پس از ایران، ترکیه الگویی شود؟ ترکیه خودش هزار بدبختی دارد و با پدیده‌ای به اسم اردوغان طرف است که متفکران این حوزه در ترکیه مثل احمد داوود اوغلو را کنار گذاشت. بالاخره صحنه برای اسلام سیاسی، صحنه تحیر است.

**ایران بر مبنای عملگرایی وارد سوریه شد؟**

شاید، احتمالاً.

**بر این اساس می‌توانیم بگویم اخوان تا حدودی واکنشی عمل کرد؟**

بله حتماً. انقلاب‌های عربی را می‌توانیم شبیه انقلاب‌های مخملی بدانیم. اخوانی‌ها در آن نقشی نداشتند، ولی بر این موج سوار شدند. چون اصالتی در نسبت با انقلاب‌ها نداشتند، با بادی آمدند

**فرهیختگان** را دولت‌ها شاید، ولی تروریست‌ها تقریباً هیچ‌گاه از بین نمی‌روند؛ آنها شکست می‌خورند ولی بایک نام و ایدئولوژی افراطی‌تر قدر است می‌کنند و دوباره برای تشکیل خلافت، جان‌ها را می‌گیرند و شهرها را به آتش می‌کشند. داعش به عنوان قدرتمندترین گروهک تروریستی هم از این قاعده مستثنی نیست. آبان ۹۶ با شکست در البوکمال، داعش به پایان رسید اما با این حال هفته‌هایی از این گروهک در بیابان‌ها و کوهستان و یا حتی در دل شهرها کمین کرده‌اند و هزار چندگانه‌ای با یک ترور و انتحار، دوباره بر سر زبان‌ها می‌افتند. نمونه دیگر گروهک طالبان است؛ گروهکی که آمریکا در سال ۲۰۰۱ با حمله به افغانستان درصد نابودی آن بود اما کمتر از ۲ دهه بعد، ناچار به مذاکره با همان تروریست‌های سابق شد. درباره آخرین وضعیت گروهک‌های تروریستی و اینکه در آینده قرار است چه شرایطی را تجربه کنیم، با یاسر قزوینی حائری عضو هیات علمی دانشگاه تهران گفت‌وگو کرده‌ایم. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

**اگر بخواهیم وضعیت گروه‌های تروریستی در چند سال اخیر را بررسی کنیم، چه تغییراتی در صحنه میدانی اتفاق افتاده است؟ آیا تضعیف نسبی گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی، ادامه خواهد داشت یا شاهد عصیان آنها خواهیم بود؟**

این گروه‌ها فراز و نشیب زیادی را تجربه کردند. داعش با توجه به تمرکز منطقه‌ای و جهانی ویژه‌ای که رویش بود، تا حد زیادی در بعد نرم و سخت تضعیف شده است. در بعد سخت، عملیات‌هایش ضعیف شده و خودشان هم به این اذعان دارند و در بعد نرم هم دستگاه رسانه‌ای عجیب و غریبی که سامان داده بودند، تضعیف شده است. در حال حاضر رویکرد داعش «حرب الاستنزاف» (جنگ فرسایشی) و ترور فرماندهان، انفجارهای انتحاری نه‌چندان زیاد، خراب کردن خانه‌ها و آتش‌زدن مزارع و انفجار چاه‌نفت و... است. داعش می‌گوید با توجه به شرایط فعلی، هدف‌مان جنگ طولانی مدت است. آنها نیرو کم دارند و بالطبع عملیات انتحاری هم کم‌انجام می‌دهند. فقط جست‌وجو رگ‌یخته در افغانستان عملیاتی انجام می‌دهند که آن هم با هدف اعلام حیات است. گروه طالبان قوی‌تر شده و به‌یمن قدرت طالبان، القاعده قدرتش را حفظ کرده است. شاخه‌های مختلف القاعده شدت و ضعف دارند. شاخه کشور مالی القاعده قدرتمند و با داعش درگیر است. گروه‌هایی که در سوریه و ادلب مستقر بودند، چه آنهایی که در قالب هیات تحریر الشام و جبهه النصره بودند و چه آنهایی که در قالب جبهه التحریر سوریا یعنی الحزب الشام و جیش الاسلام و... بودند، به سمت هم‌خوان شدن با جهانبازان پیروشان رفتند. طالبان پاکستان همچنان به کار خود در پاکستان ادامه می‌دهد یا گروه‌های قوم‌گرایانه مثل ارتش آزادی بخش بلوچستان با توجه به پروژه‌هایی که چین در گوادر اجرامی کند، در یک دوره گفت‌وگو با توجه به بازیابی دولت-ملت‌ها در یک نگاه کلی می‌شود گفت با توجه به بازیابی دولت-ملت‌ها در سوریه و عراق، قدرت گروه‌های تروریستی کم شده و آنها به حاشیه و به‌ویژه به آفریقا (نیجر، مالی یا ساحل) رفتند، در منطقه ساحل خیلی فعال شدند و در آنجا بین داعش و القاعده درگیری شدید است.

**دلیل رو به ضعف رفتن گروه‌های تروریستی و عدم بازیابی توان سابق چیست؟**

خطر گروه‌های تروریستی که بالا گرفت، ائتلافی در برابرشان شکل گرفت که ایران و آمریکا را هم در کنار هم قرار داد. هرچند در مقایسه می‌بینید وقتی توجه‌ها به سمت داعش رفت، مفهوم تروریسم خوب و بد شکل گرفت و یک‌دفعه طالبان به عنوان تروریسم خوب بیرون آمد و آمریکا با طالبان وارد مذاکره شد. الان داعش القاعده را به‌شدت مورد حمله قرار می‌دهد که شما سازشکارید. با این حال داعش بعد از آن ضعف فرایند، دوباره کمی قدرت گرفته و تحرکات اخیرش در زند چاه‌های نفت و تصفیه‌خانه‌ها و پالایشگاه‌ها نشان می‌دهد مقداری حرکت رویه جلوداشته است. به نظر من ضعف اساسی تروریست‌ها، شکست در تجربه موصل و شاید ادلب است. آنها که در سوریه بودند، در ادلب و اطراف آن محصور شدند و در عراق هم تمام شهرها را از دست دادند. الان تحرکات‌شان در نیجر و مالی متمرکز شده، اما هیچ کدام از اینها، به معنای بازگشت به قدرت در سوریه و عراق نیست.

**آیا این افول در حوزه گفتنی هم خودش را نشان داده است؟ یعنی ضعف در گفتن در کنار سایر ضعف‌ها، تروریست‌ها و داعش را ناکام گذاشته است؟**

افول گفتنی هم هست، ولی داعش آن را رفع و رجوع کرد. القاعده در این دوره فراز و فرودی مثل داعش نداشته و برای همین تحول گفتنی آنجانی در او نمی‌بینید. به دلیل آنکه روند کرکش تدریجی بوده

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب اعظم شفیع توران پشتهی فرزند حسین به شماره ملی ۰۳۲۲۰۳۶۲۸۳ صادره از کرج در مقطع کارشناسی پاره‌وقت رشته زیست‌شناسی (میکروبیولوژی) صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱/۶۸۳۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، رجایی‌شهر، تقاطع بلوار شهید مودن و استقلال، مجتمع دانشگاهی امیرالمؤمنین ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب یاسر عبیدادی فرزند ناصر به شماره شناسنامه ۱-۱۱۳۱۳-۱۷۴ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته عمران صادره از واحد دانشگاهی اهواز با شماره ۱۷۹۶-۱۰۶-۱۴۹۶۱ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود

اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز، فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

برگ سبزو و سند خودرو پراید 1315E مدل ۹۳ به رنگ سفید - روغنی دوگانه سبزو به شماره موتور 5165408 و به شماره شاسی NAS412100E1053157 و به شماره پلاک ۱۴-۴۵۵-۷۷ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبزو خودرو سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۷ به رنگ بژ-متالیک و شماره پلاک انتظامی ۶۹۱-۲۳-ایران ۳۵ و شماره موتور ۱۲۴۵۹۱۸۲۵۵۹ و شماره شاسی NAAM01CAX9E386369 به نام علی اکبری مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

## آگهی مناقصه

**دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند و رباط کریم** واقع در آزادراه تهران-ساوه، شهرهای پرند و رباط کریم، در نظر دارد اجرای کلیه امور مربوط به خدمات نظافت دانشگاه را به صورت حجمی به شرح اسناد مناقصه به مدت یک سال به شرکت‌های واجد شرایط، از طریق مناقصه عمومی وگزار نماید. • هزینه خرید و دریافت اسناد: ارائه اصل رسید مبلغ واریزی ۱۷۰۰۰/۰۰۰ ریال (غیرقابل استرداد) به حساب ۰۱۰۵۲۸۲۶۲۰۰۰ در وجه دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند به همراه معرفی نامه از شرکت. • مهلت خرید و تحویل اسناد: ۱۰ روز کاری به جز پنجشنبه‌ها از تاریخ انتشار آگهی مورخ ۹۹/۱۰/۲۱ لغایت ۹۹/۱۰/۲۱ در ساعت اداری (از ساعت ۹ الی ۱۵). • ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه: مبلغ ۱۷۰۰۰/۰۰۰ ریال در قالب وجه واریزی یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر. • متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند جهت اطلاع از شرایط و خرید اسناد به دبیرخانه کمیسیون معاملات واحد پرند واقع در طبقه سوم ساختمان اداری، مراجعه یا با شماره تلفن ۵۶۷۳۳۰۱۵ تماس حاصل نمایند. • هزینه چاپ آگهی برعهده برنده مناقصه خواهد بود. • دانشگاه در قبول پیشنهادهای و انعقاد قرارداد باره آهاری اختیار تام می‌باشد.

دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند و رباط کریم